

یادداشت/ "رویکرد ریزوما تیک" در بازمهندسی شبکه تعاونی‌های روستایی ایران به قلم حسین شیرزاد



دکتر حسین شیرزاد دکترای توسعه کشاورزی

امروزه شبکه تعاونی‌های کشاورزی و روستایی ایران دارای تعداد ۷۳۳۲ اتحادیه، شرکت‌های تعاونی و تشکلهای کشاورزی با ۱۳ اتحادیه سراسری و ملی و تعداد ۲۷۷۵ شرکت تعاونی روستائی با ۳۳۶ اتحادیه استانی و شهرستانی و ۴۴۱۸٫۶۵۱ نفر؛ تعداد ۱۹۰۲ شرکت تعاونی کشاورزی با ۱۱۱ اتحادیه استانی و شهرستانی، تعداد ۳۰۹ شرکت تعاونی زنان روستائی در سطح استانها و شهرستانها با ۵۵۸ نفر عضو، تعداد ۱۳۵۹ شرکت تعاونی تولید با ۶۷ اتحادیه استانی و شهرستانی و دارای ۳٫۲۴۱٫۶۱۴ هکتار اراضی کشاورزی اعضاء و ۴۰۵۲٫۰۴۶ هکتار اراضی کشاورزی تحت پوشش، تعداد ۳۰ شرکت سهامی زراعی ثبت شده با ۷۶٫۰۰۰ هکتار اراضی تحت پوشش و ۸۱۰۵ بهره‌بردار، تعداد ۴۴۵ نظام صنفی کشاورزی استانی و شهرستان با بیش از ۷۲۷٫۳۰۷ عضو، بزرگترین شبکه روستایی کشور در بازارهای

مالی، کار و سرمایه روستایی و کشاورزی محسوب نمود.

اما در شرایط فعلی، شبکه تعاون روستایی کشور همگرایی حداقلی با نیاز بخش‌های تخصصی و سیاست‌های تولیدی- توزیعی بخش داشته و بواسطه فربهی ساختار، در مسیر هم‌افزایی با سایر اندامواره‌های موجود در نظام کشاورزی کشور نیست بنابراین دور از ذهن نیست که ساماندهی مجامع شبکه تعاون روستایی ایران، ادغام تعاونی‌های کوچک، زیان‌ده، ناکارآمد، فاقد سرمایه و ایجاد تعاونی‌های کارآمد و بازنگری قوانین و مقررات در جهت اصلاح مؤلفه‌های مؤثر بر کارآمدی شبکه سازمان مرکزی تعاون روستایی در انجام ماموریت‌های محوله از مهمترین ضروریات تاریخی در بازمهندسی ساختارهای فنی و حقوقی حاکمیت شرکتی شبکه تعاون روستایی ایران محسوب میشود.

تقویت منابع مالی، افزایش سرمایه، ارتقای توان تخصصی، با ارزش نمودن سهام، قابل خرید و فروش کردن سهام شرکت‌ها، حرکت به سمت ایجاد نظام‌های بهره‌برداری کارا تر در زنجیره تامین و عرضه این واحدها. به موازات کنترل‌های درونی بیشتر، ضرورت حسابرسی دقیق و مدیریت بهینه مالی این واحدها و توقف هرگونه صور متنوع واسطه‌گری وجوه در واحدهای اعتباری تعاونی‌ها، بسته‌هایی ضد فساد و تعارض منافع در ساختار ۶۰ ساله شبکه تعاون روستایی به شمار می آیند.

تقویت تعاملات شبکه‌ای بین اتحادیه‌ها (ایجاد ارزش افزوده در تعاملات بین تعاونی‌ها) از طریق شبکه‌های افقی و عمودی یعنی اتحادیه‌های تعاونی شهرستانی، استانی و سراسری؛ اتحادیه تعاونی کشاورزی برای انطباق با شرایط جدید ناشی از آزادسازی بازار و پیدایش سوپرمارکت‌ها با تخفیف قابل توجه به ایجاد سوپر مارکت‌هایی به منظور فروش مستقیم محصولات به مصرف‌کنندگان اقدام کرده که نتیجه آن کاهش قیمت‌های خرده‌فروشی و در همان حال کسب قیمت‌های منصفانه برای کشاورزان، ضرورت امروزی تعاملات درون شبکه به شمار می‌آید.

اما این شبکه با این وسعت و قدمت تاریخی نیاز مبرم به بازمهندسی دارد. شبکه تعاونی روستایی کشور باید رفتارهای منطقی و عقلانیت تجاری از خود نشان داده و فرصتهای بازاری را بشناسد و درک کنند با چه سازوکاری به طور "فرصت مدار و سود محور" در خدمت بازار کشاورزی و تحولات آن قرار می‌گیرد.

کشاورزی هوشمند در دهه آینده قطعا زنگ‌های تغییر را برای پی ریزی

بنایی نو در سلسله نهادهای سنتی کشاورزی ایران فراهم خواهد نمود، بنابراین لازمست که از امروز در پی ایجاد ساختارهای نهادی و بسترهای قانونی لازم برای پذیرش تغییرات وسیع در تعاونی‌های روستایی و بخش کشاورزی باشیم.

رفتار سازمانی در شبکه تعاونی‌های روستایی و کشاورزی کشور باید از مدل‌های سنتی تعدیل ریسک جهت تاب آوری حداکثری عبور کرده و بر ایجاد سیستمهای تلفیق افقی، اتحادهای استراتژیک، خوشه‌های سینرژیک و کشاورزی قراردادی، کشت سفارشی، به موازات پایش هدفمند، پایش آگاهی، مقاوم‌سازی و کاهش آسیب‌پذیری تمرکز کنند.

به نظر می‌رسد رویکرد ریزوماتیک، راهی برای تقویت اکوسیستم شبکه تعاونی‌های روستایی کشور با استفاده از ظرفیت‌های ذاتی آنها در مواجهه با پیدایی اکوسیستم‌های زراعی ناپایدار، آلودگی محیط زیست، کاهش کمی و کیفی محصول و کارایی انرژی، و برون رفت از سیر قهقرایی اکوسیستم‌های طبیعی و خشکی و خشکسالی‌های سه دهه اخیر (مباحث تغییر اقلیم) در کشور باشد.

“ریزوم”، به عنوان یک استعاره زیست شناختی، نمادی برای رشد چندگانه و نامحدود از طریق اتصالات ممتد است. در واقع، مفهومی که در مقابل درخت و رشد درختی است که بر خطی بودن و تسلسل هرمی حرکت شبکه تعاون روستایی تأکید دارد. فضای ریزوماتیک با تأکید بر “شدن، نمادیسیم، قلمروزدائی و بازقلمروسازی و تأکید بر اصولی همچون ارتباط و ناهمگنی، چندگانگی، تفکر واگرا، منطق سیستم‌های پیچیده، گسست نادالالت‌گر، طراحی و تجربه‌گرایی استعلایی، تمرکززدائی، نفی دوالیسم و سلسله مراتب، قدرت ابتکار (اختراع، نوآوری و ارائه جوابهای غیر معمول و زیرکانه به مسائل) اصالت (ارائه راه حل‌های منحصر بفرد)؛” ملهم از آرای “ژیل دلوز” فیلسوف پست مدرن و پسا ساختارگرای فرانسوی است که استعاره ریزوم و فضای ریزوماتیک خود را از زیست‌شناسی الهام گرفته است.

نگره ریزومی ضد تمرکز و نظم را کد معمول است و با محدودیت و سکون نمیسازد. بنابراین می‌تواند شبکه تعاون روستایی را از رکود و جمودی که بیش از ۳۰ سال با آن دست به گریبان است، خارج سازد.

از منظر “دلوز” دو گونه رویکرد وجود دارد. رویکرد ریزومی افقی و ارتباطی یا ریزوماتیک (rhizomatic) و رویکرد سلسله مراتبی عمودی و درختی، (arborescent)، و این دو با هم در ذات خویش متفاوتند. تفکر

ریزومی، فضاها و ارتباطات افقی و چندگانه و همه‌جانبه را تداعی می‌کند اما تفکر درختی با ارتباطات خطی و عمودی و گوش به فرمان سر و کار دارد.

درخت، انتساب است؛ اما ریزوم ارتباط است. شبکه تعاون روستایی به ارتباط، پویایی، درهم‌تنیدگی فضایی‌مکانی، ایجاد اتصال و پیوستن به شبکه‌های ارتباطی هوشمند، غیرمتمرکز، سیال و مبتنی بر خلاقیت در فضای مجازی بازارها نیاز دارد.

بازمهندسی ساختاری با رویکرد ریزوماتیک به کمک طراحی الگوریتم‌های کارآمد مدیریتی، شرایط و قابلیت پاسخگویی شبکه تعاونی‌ها را نسبت به نیازهای متنوع امروزین جامعه کشاورزی و روستایی ارتقا می‌بخشد.

رویکرد ریزوماتیک با مجازی‌سازی و بی‌مکانی همراه است و جهان‌زیست امروزین بخش کشاورزی که با جهان ارتباطات در زنجیره‌های ارزش (ملی-بین‌المللی) و دنیای شبکه‌ای عجین شده، و جهان اینترنت که با فشرده کردن زمان و مکان تاریخی و کنار هم قرار دادن آگاهی‌های گوناگون، به کمک اقتصاد دانش بنیان، شبکه‌ای درهم‌تنیده از اطلاعات ایجاد کرده‌است، ترسیم‌کننده فضای پویا و سرزنده ریزومی است.

در گذشته، تدوین اساسنامه سازمان مرکزی با ساختار سلسله‌مراتبی درختی و فرض «نگره مارشالی صرفه‌های تجمیع» بر این بود که می‌توان با هم‌جواری جغرافیایی، دسترسی اتحادیه‌ها به یکدیگر، بازاریابی و برگزاری بازارهای مشترک، رسوخ در بازارهای هدف را تسهیل نموده و موقعیت جغرافیایی اتحادیه‌ها، سرعت انتشار دانش و اشتراک‌گذاری منابع موجب ارتقاء قابلیت‌های هر یک از آن‌ها خواهد بود.

اما تجارب سالیان اخیر نشان داده اتحادیه‌های استانی به خودی خود از پتانسیل سینرژیک یا هم‌افزایی در برابر پیش‌آمدهای غیرمنتظره یا کاهش هزینه‌های مبادله‌ای به واسطه‌ی مجاورت جغرافیایی برخوردار نیستند. این بدان معنی است که محیط جغرافیایی، نتوانسته به واسطه «کارایی جمعی حاصل از عمل مشترک» اعتماد و سرمایه اجتماعی را تقویت نموده و با «تولید فضا» به کارآمدتر شدن ابزارهای دستیابی و اشتراک اطلاعات در حوزه سازمان، فضا و روابط قدرت، بازار و تغییرات تکنولوژی کمک کند.

بنابراین شبکه تعاون روستایی در شهرستان‌ها باید با تحرک بیشتر در فضای بازارهای منطقه‌ای و ناحیه‌ای از حالت رکود و رخوت خارج شده و ارتباط هم‌افزای بیشتری با شبکه تعاون روستایی استانی و منطقه‌ای داشته باشند. شبکه‌های منطقه‌ای تعاونی‌ها باید با درک عمیق‌تر نسبت به مازاد تولیدهای فصلی (بیش بودها) و کمبودها، پیشاپیش به فکر خروج محصولات مازاد از حوزه تحت مدیریت خود به بازارهای منطقه‌ای بوده بدیهی است این رابطه درون شبکه‌ای "با ساختار سلسله مراتبی دهه چهل"، اگرچه در دهه ۵۰ و ۶۰ خورشیدی منشاء اثر بوده لیکن با تکامل بازارها و پیچیده شدن محیط تولیدی و مناسبات تکنیکی و حقوقی در بخش کشاورزی کارآمدی خود را از دست داده است.

مدل ریزومی دلوز می‌تواند به عنوان یک مدل پربارور و مثمر ثمر برای نوآوری و خلاقیت در شبکه تعاون روستایی ایران استفاده شود زیرا این مدل بر تمامی فعالیت‌های خلاقانه و نواندیشانه که همواره حالت انعطاف پذیر و سیال دارند تأکید دارد و ضرورتاً از کنترل‌های هدفمند، متمرکز، سلسله‌مراتبی هیرارشی و ساختارگرا گریزان می‌باشد.

لذا زمان آن رسیده تا با اتخاذ تصمیمات ساختاری - نهادی جدید علاوه بر اتحادیه‌های موجود استانی شامل؛ اتحادیه‌های تعاون روستایی، اتحادیه تعاونی تولید و اتحادیه نظارت کشاورزی، دو اتحادیه جدید به نام «اتحادیه اعتباری» و «اتحادیه بازاریابی» به منظور کمک در انجام فعالیت‌های اعتباری و بازاریابی شرکت‌های تعاونی تشکیل گردد.

به شکلی که با ایجاد اتحادیه‌های جدید تخصصی استانی، وظایف اعتباری و بازاریابی شبکه تعاونی‌ها، که در حال حاضر توسط برخی از اتحادیه‌ها به صورتی بسیار محدود انجام می‌شود، به اتحادیه‌های جدید مزبور واگذار شده و نقش اتحادیه استانی، منحصر، ایجاد هماهنگی، نظارت و آموزش پرسنل و مدیران شرکت‌ها گردد.

تغییر کارکرد اتحادیه‌های شهرستانی و استانی از حالت هرمی، سلسله‌مراتبی و انتزاعی حاضر به زنجیره‌ای و ریزوماتیک در چهارچوب قانون و رفع مغایرتهای قانونی، با تأکید بر حذف لایه‌های غیرقانونی و غیرضروری نظیر اتحادیه‌های شهرستانی و اتحادیه‌های استانی و تعریف دو حوزه صف و ستاد در شبکه، یقیناً به اصلاح ساختار و

چابک‌سازی شبکه و تعیین تکلیف تعاونی‌های غیرفعال و راکد (فعال‌سازی - ادغام - انحلال) خواهد انجامید.

وضع فعلی ساختار چهار سطحی شبکه شامل (اتحادیه ملی، اتحادیه‌های استانی، اتحادیه‌های شهرستانی و تعاونی‌ها) که میراث تاریخی به ارث رسیده است با درک تحولات امروزین محیطی، نیازمند بازنگری ساختاری-کارکردی است.

این ساختار با ساختار پیش‌بینی شده شبکه در قانون نیز در تعارض آشکار است. این در حالی است که بر اساس قانون می‌بایستی به ساختار سه سطحی شبکه شامل (اتحادیه‌های ملی، اتحادیه‌های منطقه‌ای و تعاونی‌های روستایی) می‌رسیدیم. بنابراین باید بپذیریم که در اصلاح کارکردها و ساختار شبکه عقب افتادگی یا "تاخر فاز" داریم.

در زمینه سایر ساختارها هم ایضا، مثلاً نیمرخ نظام نظارتی تعاونی‌ها و اتحادیه‌ها در قانون عبارتست از سه سطح (اتحادیه ملی نظارت و هماهنگی، اتحادیه نظارت و هماهنگی منطقه‌ای و تعاونی‌های روستایی) که متأسفانه بصورت نیم‌بند در سطح اول متوقف شده‌ایم و در سطح دوم نیز تشکیلاتی بطور ناقص راه‌اندازی شده است.

در قانون پیش‌بینی شده، ضروری است تا در کنار اتحادیه ملی روستایی و کشاورزی کشور (بند ۱ ماده ۱۳۴)، اتحادیه‌های منطقه‌ای تعاونی‌های بازرگانی تشکیل شود که تاکنون این مهم انجام نشده است.

ضرورت امروزین دیگر، تشکیل اتحادیه‌های تخصصی است که روند تشکیل آنها به کندی پیش رفته است، مآلاً باید گفت که ساختارهای ما در شبکه اشکالات ساختاری عدیده ای دارد. چنانکه در شرایط حاضر کشور دارای (۳۰۷) اتحادیه تعاونی روستایی شهرستان، (۳۱) اتحادیه تعاون روستایی استان، (۱۱۷) اتحادیه کشاورزی استانی، (۴۷) اتحادیه تعاونی تولید شهرستان، (۲۵) اتحادیه تعاونی تولید استان و (۱۰) اتحادیه‌های ملی است.

چنین ساختاری در دنیا منحصر بفرد بوده و نشان از نوعی بی نظمی و آنارشی در بیش از ۶۰۰ اتحادیه و کارکردهای پرهزینه این نهادها دارد.

پرداختن مداوم به سیاست استحاله و دگردیسی تدریجی اتحادیه‌های

روستایی و کشاورزی، شهرستانی و استانی به اتحادیه‌های منطقه‌ای و ادغام آنها در یکدیگر (مواد ۶۰ و ۶۱ قانون)، در راستای اتخاذ "راهبرد شبکه منطقه‌ای ریزوم وار" که رشد و توسعه هماهنگ را از طریق روابط مکمل و پیوندهای سازمان یافته روستایی - شهری در سطح مناطق مختلف کشور توصیه می‌کند، نیاز به گرایش به سمت رویکر ریزوماتیک در گروی ارتقای تدریجی، بازمهندسی و پایداری شبکه تعاون روستایی کشور دارند.

امروزه در شبکه های تعاونی روستایی مدرن، از ریزوم به مثابه یک استراتژی فضایی بهره می‌گیرند تا الگوهای تولیدی-توزیعی و هم افزایی جدیدی را در رابطه میان دانش و فضا به ذی نفعان شبکه معرفی کنند. بهره‌گیری از سیستم فضایی ریزوماتیک در شبکه تعاون روستایی کشور می‌تواند به مثابه محیطی برای خلق و آفرینش امکانات و ظرفیت‌های فراوانی در رابطه با تغییر نهادی و ایجاد نهادهای جدید بواسطه طراحی ریزوماتیک فراهم آورد.

"شبکه تعاون روستایی ریزوم وار" برخلاف شبکه سلسله مراتبی درختی امروزی، به‌طور نامحدود گسترش می‌یابد و قادر است فعل "بودن" را به چالش گرفته و «شدن» را به نمایش بگذارد. حتی این رویکرد را می‌توان نمادی از "دسانترالیسم" در عصر شبکه های مجازی دانست و اینگونه آن را با کاربرد "فین تک ها، تفکر بلاکچینی، حضور استارت‌آپ ها و هوشمندسازی تجاری" در عرصه شبکه تعاون روستایی ایران قابل پیوند نمود.